

## اعتقاد به مهدویت و تأثیر آن در بازخوانی تربیت ولایت محور

زهرا ضیایی<sup>۱</sup>

مهدیه زهرا<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۱

### چکیده

هدف از این پژوهش بررسی اعتقاد به مهدویت و تأثیر آن در بازخوانی مبانی تربیت ولایت محور است. اعتقاد به مهدویت یکی از ارکان و آموزه‌های اساسی در دین مبین اسلام است. تربیت‌پذیری نیز یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های انسان است که همواره و در طول تاریخ با انسان قرین و همراه است. کامل‌ترین و اصیل‌ترین نوع تربیت، تربیت ولایت محور است. میان تربیت ولایت محور و اعتقاد به مهدویت، رابطه دو سویه برقرار است. پژوهش حاضر با روش توصیفی و تحلیلی، افزون بر ایضاح مفاهیم مهدویت و تربیت ولایت محور، به تحلیل و بررسی اعتقاد به مهدویت و نقش آن در بازخوانی مبانی تربیت ولایت محور پرداخته است. مهم‌ترین تأثیر این جریان را می‌توان در تأمین تمهیدات لازم جهت متجلی ساختن ارزش‌ها و ضوابط مطلوب در فرد به منظور مؤثر بودن او در ایجاد زمینه برای ظهور و تشکیل جامعه مهدوی مشاهده کرد. از آن جایی که اعتقاد به مهدویت به مثابه رکن اساسی اعتقاد دینی، همواره مورد توجه و توصیه پیشوایان دینی قرار گرفته است، بنابراین می‌تواند در نظریه پردازی و مدل‌سازی در حوزه تربیتی مورد توجه قرار گیرد. این امر به خودی خود سندی محکم برای نشان دادن اهمیت و کارکرد دین در حوزه عملی به شمار می‌رود. توجه به این نگرش و رویکرد به تربیت، منجر به تربیت و ساختن انسان‌هایی موحد، پویا، امیدوار به آینده و منتظر مصلح جهانی است که ضمن دوری از اندیشه‌های انحرافی پوچ‌گرایانه، در تکاپوی دستیابی به کمال نهایی ساختن جامعه زمینه‌ساز و منتظر گام برمی‌دارد. برای تحقق اهداف و برنامه‌های تربیت ولایت محور، ضروری است تا گام‌های اساسی و اجرایی در زمینه تربیت برداشته شود. پژوهش پیش‌رو، با هدف شناسایی، توصیف و تبیین برنامه‌های مذکور تدوین یافته است.

۱. دانشجوی دکتری کلام اسلامی مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی جامعة المصطفی العالمیه قم (نویسنده مسئول) (1362114@gmail.com).

۲. دانشجوی دکتری کلام اسلامی مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی جامعة المصطفی العالمیه قم.

## واژگان کلیدی

ولایت محور، مهدویت، جامعه مهدوی، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف.

## مقدمه

همان‌گونه که بارها در متون دینی ما اشاره شده است، هدف غایی از خلقت هستی از جمله انسان، آن است که آدمی با اختیار خود مسیر تکامل و تعالی را طی کند و به هدف نهایی دست یابد. آنچه مسلم است آن است که انسان علاوه بر مجهز بودن به ابزار اراده و اختیار، نیازمند انتخاب آگاهانه و شناخت مسیری است که او را به سر منزل مقصود راهنمایی کند. از این رو، خداوند به انسان علاوه بر حس، نیروی عقل و تفکر را عطا کرد که توسط آنها بتواند به شناخت و معرفت دست یابد. از آن جایی که این دو ابزار برای دست‌یابی به غایت اصلی کفایت نمی‌کند، حقیقتی به نام امام را به عنوان واسطه معرفی کرده است و او را پیشوای انسان قرار داده است تا از طریق آن، آدمی هویت اصلی خود را بشناسد. در این میان اعتقاد به مهدویت و ظهور منجی موعود و مصلح زمان به عنوان غایت و نهایت زندگی بشر، اهمیت ویژه‌ای دارد و به لحاظ ریشه داشتن در مبانی اعتقادی و عملی شیعیان، دارای نقشی مهم در همه ابعاد زندگی آنها دارد. در تفکر شیعی بحث مهدویت، تنها یک موضوع نظری صرف نیست بلکه موضوعی است که باید در متن و بطن زندگی انسان‌ها ریشه بدواند. یکی از جایگاه‌هایی که محل جولان این مسئله است، تربیت ولایت‌محور است. زیرا این نوع تربیت مبتنی بر آموزه‌های الهی و حیانی است که می‌تواند زمینه رشد و سعادت انسان‌ها را فراهم سازد. بنابراین مسئله اعتقاد به مهدویت و تربیت ولایت‌محور دارای ارتباط وثیقی با یکدیگر می‌گردند. زیرا از یک سو، تربیت صحیحی که براساس اعتقاد به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شکل گرفته باشد، زمینه‌سازی برای ظهور را هموار می‌کند و این به نوبه خود سبب نضج و رشد یافتگی نظام تربیتی می‌گردد. از سوی دیگر نیز، شناخت و معرفت ما به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان یک اصل اعتقادی، بیشتر خواهد شد. ضمن آن‌که از این طریق می‌توانیم جلوی افکار و ایده‌های انحرافی و خرافی که موضوع مهدویت را به بیراهه می‌کشاند، بایستیم. همین امر ضرورت و اهمیت پرداختن به این موضوع را دوچندان کرده است.

از این رو، سؤال اصلی این پژوهش به بررسی اعتقاد به مهدویت و تأثیر آن در اصول تربیت ولایت‌محور پرداخته است. به خصوص آن‌که تاکنون پژوهشی مستقل در این رابطه به نگارش

در نیامده است و اگر هم تحقیقاتی در این زمینه بوده، تنها ضلعی از اضلاع مسئله، مورد بررسی قرار گرفته است. لیکن به موضوع اعتقاد به مهدویت و نقش آن تربیت ولایت محور و اصول حاکم بر آن و تأثیر آن در جامعه مهدوی، کمتر توجه شده است. زرقانی در پژوهشی با نام «مهدویت در آینه تربیت» (۱۳۹۹) با بررسی ابعاد تربیتی و خصوصیات منتظران واقعی، ضمن بیان آثار تربیتی در فرهنگ انتظار و مهدویت، به آسیب شناسی احتمالی آثار پرداخته است. حاصل نتایج صحرانشین و همکارانش در مقاله «تبیین مبانی تربیت سیاسی و اجتماعی اندیشه های جان دیویی و مطهری در تربیت شهروندی» (۱۳۹۹) تربیتی سیاسی و اجتماعی را محور تربیت دینی مورد لحاظ قرار داده است. مرزوقی و راضی در مقاله «فلسفه تربیتی انتظار: رویکردی به نقش مدارس در تربیت نسل منتظر» (۱۳۹۸) در تحقیقات خود با رجوع به سند تحول آموزش و پرورش، به استخراج سازی گزاره های مرتبط با تربیت نسل مهدوی همت گمارده است. اباذری در «مهدویت در اندیشه شهید مطهری» (۱۳۸۳) در تحقیقی نسبتا جامع موضوع مهدویت را با مسائل پیرامون آن از قبیل ویژگی های منتظران، جامعه واحد جهانی، انتظار و... مورد توجه قرار داده است. فقیهی، نجفی و سبحانی نژاد در مقاله ای با عنوان «تجربه زیسته متخصصین تعلیم و تربیت از راهکارهای گسترش رفتار اخلاقی زمینه ساز ظهور در برنامه های درسی دانشگاهی» (۱۳۹۴) به بررسی راهکارهای گسترش رفتار اخلاقی و گنجانده آن در برنامه های درسی که زمینه ساز ظهور می گردد، پرداخته است. تمرکز پژوهش - های مذکور یا معطوف به تربیت دینی و ارتباط آن با مهدویت است یا منحصر در تربیت دینی و راهکارهای آن می باشد که در این میان نقش سازنده اعتقاد به مهدویت و تأثیر آن بر تربیت ولایت محور و پیوند با جامعه مهدوی، مورد غفلت قرار گرفته است. هدف این پژوهش بررسی اعتقاد به مهدویت و نقش آن بر تربیت ولایتی است که به نوعی جریان تفکر مهدویت را از حیث نظری به یک جریان تربیتی پویا، سازنده، محرک و کارآمد منتهی می سازد. این موضوع یکی از کاربردی ترین مباحث مهدویت و در حال حاضر از نیازهای ضروری جامعه امروزی به شمار می رود.

## چارچوب نظری تحقیق

### ۱. بررسی و تحلیل مفاهیم اصلی

#### الف) تربیت ولایت‌محور

تربیت ولایت‌محور متشکل است از دو کلمه تربیت و ولایت، تربیت در لغت از دو ریشه ربو و ربب است به معنای افزودن و پروراندن و بیشتر ناظر به پرورش روحی و معنوی و به معنای سرپرستی و رهبری کردن و به اعتدال رساندن است. تربیت از نظر عالمان اخلاق نیز به فعالیتی منظم و تدریجی گفته می‌شود که برای کشف استعدادها از قوه به فعل به کار می‌رود (حاجی ده آبادی، ۱۳۷۷ش: ۱۲).

کلمه ولایت از واژه ولی است به معنای یاری‌کننده و با کسر به معنای سلطنت است ولایت به معنای یاری کردن، دوستدار، تبعیت‌کننده و هم عهد نیز به کار رفته است (ابن منظور، ۱۳۸۸ق: ج ۱۵، ۴۰۶-۴۱۲؛ فیروزآبادی، ۱۳۵۷ش: ج ۴، ۴۰۱) مهم‌ترین معنایی که در کلمه ولا آمده است، اولویت در تصرف است (مجلسی ۱۴۰۴ق: ج ۳۷، ۲۳۷؛ عاملی، ۱۳۸۴ق: ج ۱، ۳۰۵؛ حسینی میلانی، ۱۳۹۰ش: ج ۲، ۳۰۸-۳۰۹). از این رو، کلمات ولی، اولی، احق و مولا به یک معنا هستند (طوسی، ۱۳۷۶ق: ج ۳، ۵۵۹؛ طبرسی، ۱۳۷۴ق: ج ۳، ۳۵۹) البته برای ولا معنای نزدیکی و قرب نیز در نظر گرفته شده است (انیس، ۱۳۹۲ش: ۱۵۰۷؛ زمخشری، ۱۳۸۵ق: ۶۸۹). با توجه به این که معنای اصلی کلمه ولایت، قرار گرفتن چیزی در کنار چیزی دیگر است به گونه‌ای که میان آنها فاصله‌ای نباشد (جوادی آملی، ۱۳۹۲ش: ۳۷) این کلمه برای نزدیکی و قرب مکانی یا معنوی و نیز در معنای دوستی، یاری، تصدی امور به کار می‌رود (همان: ۳۶) و از طرف دیگر، وجود ارتباط بین امور متوالی ضروری است. بنابراین تربیت ولایت‌محور به معنای نزدیکی و پیوند قلبی و محبت ورزی افراد به هم نوع، ولایت‌ورزی است. بندگی و پیوند معنوی با خدا و عشق و علاقه به اولیای الهی در دایره تربیت ولایت‌محور قرار می‌گیرد. از این رو، والاترین تربیت انسان به واسطه همان ولی و حجت خدا صورت می‌گیرد که با عنوان «تربیت ولایی» انسان به بالاترین مرتبه آن نائل می‌گردد.

از این رو، تربیت ولایت‌محور عبارت است از به کارگیری روش‌های منسجم و هدفمند براساس مبانی و اصول تعیین شده توسط عقل و شرع، به منظور تحقق رشد مطلوب اجتماعی و برقراری مناسبات صحیح انسان (صانعی، ۱۳۸۲ش: ج ۱، ۶۵).

## ب) اصول

منظور از اصول، باید‌هایی هستند به واقعیات و حقایق هستند که منشأ انتزاع، استنباط، صدور و انشای اصول و الزامات تربیتی به شمار می‌روند. این اصول در علوم کاربردی از جمله علوم تربیتی، معنای قاعده عامه یا دستورالعمل کلی است که به عنوان راهنمای عمل در جهت تربیت انسان قرار می‌گیرد. البته لازم به ذکر است که اصول مورد بحث در علوم نظری، مبانی اصول مورد نظر در علوم کاربردی هستند (باقری، ۱۳۸۸ ش: ج ۱، ۸۵) اما دسته دیگر اصول، به تعیین روش‌ها و محتوای تربیتی برای رسیدن به اهداف تعیین شده می‌پردازد و خود در جریان هدف‌گذاری نقشی ندارد. این گونه اصول را می‌توان اصول کاربردی تربیت نام نهاد (عابدی، ۱۳۸۲ ش: ۴۵). این گونه اصول تربیتی، همیشه کار مربی را جهت می‌دهد و به سمت هدف‌های مورد نظر می‌کشاند، یعنی به مربی آگاهی می‌دهد تا بداند که کیفیت و کمیت کار خویش را چگونه طرح‌ریزی کند. در نظام تربیتی ولایت‌محور، اصول و قوانین تربیتی از متن حقایق قرآنی و وحیانی گرفته شده است که در فرایند تعلیم و تربیت به آن توجه می‌شود. متصدیان تربیتی دوران ظهور باید چنین اصولی را در سرلوحه برنامه‌های تربیتی خود قرار دهند و در اجرای آن تلاش نمایند.

## ج) مهدویت و اعتقاد به آن

مهدویت از حیث لغت، یک کلمه عربی است که از ریشه مهدی گرفته شده است که منسوب به مهدی صاحب الزمان امام دوازدهم است (معین، ۱۳۶۳ ش: ج ۲، ۱۸۶) در *معجم المقاییس*، دو معنای اصطلاحی برای این واژه در نظر گرفته است؛ یکی، پیش‌افتادن برای نشان دادن راه درست و دیگری، به معنای هدیه و پیشکش (رازی، ۱۳۸۹ ش: ج ۶، ۴۲-۴۳) با گذشت زمان این اصطلاح، بر کسی اطلاق شده است که به رشد و رستگاری هدایت شده است و از گمراهی به دور است (زبیدی، ۱۴۱۴ ق: ج ۱، ۴۰۶) در برخی منابع نیز به معنای اعتقاد به وجود و حضور و ظهور مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَام تعبیر شده است (سلیمیان، ۱۳۸۸ ش: ۴۳۴) شیعه معتقد است که بنا به وعده الهی فردی هم نام رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ملقب به مهدی از نسل پیامبر اکرم و نهمین فرزند از نسل حسین بن علی، ظهور می‌کند و زمین را سراسر عدل و داد می‌کند. مطابق این اعتقاد، مهدی در سال ۲۵۵ قمری به دنیا آمده و پس از دوره ای به نام غیبت صغری، غیبت کامل (کبری) شروع شد که تاکنون ادامه داشته است. شیعه همچنین معتقد است که امام دوازدهم و منجی وعده داده شده الهی است (طوسی، ۱۴۱۱ ق: ۱۴۱-۱۴۳؛ نجم، ۱۳۹۶ ش: ۲۲؛

نعمانی، ۱۳۶۳ق: ۲۰۳) از این رو، مهدویت اندیشه‌ای است که براساس برنامه الهی، حرکت تاریخ به سوی آن برگشت‌ناپذیر و وعده داده شده است (کارگر، ۱۳۸۸ش: ۸۰) این سخن به این معناست که حرکت تاریخ به سمت آینده مهدوی، قطعی و وعده داده شده است. از امام باقر علیه السلام سؤال شد که آیا امر قطعی الهی تغییر می‌کند؟ امام در پاسخ فرمود: آری، گفته شد: می‌ترسیم درباره ظهور قائم نیز چنین شود، فرمودند: خیر در ظهور قائم هیچ تغییری ایجاد نمی‌شود؛ سپس آیه ان الله لا یخلف المیعاد را قرائت کردند (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ۲۵۰).

اصطلاح مهدی در قرآن کریم یافت نمی‌شود ولی کلمه مهتدی که معنای نزدیک با مهدی دارد، به شکل مفرد، چهار بار و به صورت جمع هفده بار در قرآن کریم آمده است (عبدالباقی، ۱۳۴۶ش: ۷۳۱-۷۳۶) این اصطلاح دوبار در قرآن در صفت فاعلی با همان ریشه هادی، هدایت‌کننده به کار رفته است؛ ﴿و ان الله لهاد الذین آمنوا الی صراط مستقیم﴾ (حج: ۵۴) ﴿و کذالک جعلنا لکل نبی عدوا من المجرمین و کفی بربک هادیا و نصیرا﴾ (فرقان: ۳۱).

از جمله دلایل اعتقاد به مهدویت در تفکر اسلام، وجود آیات فراوان در این زمینه است. در قرآن با دو دسته آیات درباره مهدویت مواجه هستیم؛ دسته اول، آیاتی است که به طور کلی دربردارنده نوعی وعده نجات می‌باشد که آموزه مهدویت را می‌توان به عنوان یکی از ارکان مصادیق آن مطرح کرد. آیاتی که بیانگر وعده‌هایی مانند؛ غلبه دین حق (توبه: ۱۳)، وراثت صالحان بر زمین (انبیاء: ۱۰۵)، جانشینی مؤمنان نیکوکار در زمین (نور: ۵۵) و تمکن مستضعفان در زمین (قصص: ۵-۶) است. دسته دیگر، آیاتی که از طریق تفسیر و تأویل دلالت بر آموزه مهدویت دارند. مانند آیه ۳۰ سوره ملک که می‌فرماید؛ بگو به من خبر دهید اگر آب‌های سرزمین شما در زمین فرو رود، چه کسی می‌تواند آب جاری و گوارا در دسترس شما قرار دهد؟ امام باقر علیه السلام فرمودند: این آیه درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه نازل شده است که قیام به عدل الهی می‌کند. اگر امام شما پنهان گردد، و نمی‌دانید کجاست؟ چه کسی برای شما امامی می‌فرستد که اخبار آسمان‌ها و زمین، و حلال و حرام خدا را برای شما شرح دهد. به خدا سوگند تأویل این آیه نیامد و سرانجام خواهد آمد (ابن بابویه، ۱۳۹۰ق: ج ۱، ۳۲۵؛ طوسی، ۱۴۱۷ق: ۱۰۱). وجود این گونه آیات حاکی از این است که اگرچه قرآن به طور صریح و مستقیم، اندیشه منجی را در قرآن نیاورده، اما برخی از آیات قرآن به عنوان سرچشمه اندیشه مهدویت در اسلام است. از دیدگاه قرآن منجی موعود، یک موعود شخصی بشری است که رسالت اصلی او احیای فرهنگ توحید و نفی شرک از جوامع بشری است (نجازادگان، ۱۳۷۹ش: ۱۸) چرا که ظهور

موعود و اجرای برنامه‌های او، وفای وعده خداوند متعال به شمار می‌رود که تنها با اراده و خواست خداوند صورت می‌پذیرد. این مسئله نه تنها در آیات قرآن بلکه در کلمات معصومین نیز انعکاس یافته است؛ براساس روایات معصومین، ظهور و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در سطح بسیار بزرگی اتفاق خواهد افتاد. مهم‌ترین برنامه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برپایی عدالت در جهان معرفی شده است (ر.ک: نعمانی، ۱۳۶۳ق: باب ۳، ح ۱۳، ۲۳۶) کلینی در اولین حدیث از کتاب الحجه از کفای در وجه نیاز به حجت چنین آورده است:

امامان با وجود شباهت با مردم در خلقت در هیچ یک از احوال با مردم شبیه نیستند. امامان به وسیله حکمت از سوی خدای متعال تأیید شده‌اند. پس چنین چیزی در هر زمانی در پرتو دلایل و برهان‌هایی که رسولان آورده‌اند، برقرار است تا که زمین خدا از حجتی که با علمی است که سخنش را تصدیق و عدالتش را قطعی می‌کند خالی نباشد (کلینی، ۱۳۸۹ق: ج ۱، ۱۶۸).

#### د) ارتباط میان تربیت ولایت محور و اعتقاد به مهدویت

بین تربیت ولایت محور و اعتقاد به مهدویت یک رابطه دوطرفه برقرار است؛ بدین معنا که هم مهدی باوری، بر تربیت ولایت محور تأثیرگذار است و هم آن که تربیت ولایت محور نوعی اعتقاد به مهدویت را به دنبال می‌آورد. اعتقاد به وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف علاوه بر شناخت و معرفت حصولی، نوعی ایمان و گرایش را در فرد ایجاد می‌کند و توانایی آن را دارد که سایر گرایش‌های انسان را به خود همسو و همراه سازد. شهید مطهری در این خصوص می‌گوید:

ایمان یعنی اعتقاد و گرایش، ایمان یعنی مجذوب شدن به یک فکر و پذیرش یک فکر. مجذوب شدن به یک فرد دو رکن دارد: یک رکنش جنبه علمی مطلب است که فکر و عقل انسان بپذیرد؛ یک رکن دیگر، جنبه احساساتی آن است که دل انسان گرایش داشته باشد (مطهری، ۱۳۷۸ش: ج ۲، ۲۴۷).

با این توضیحات روشن می‌شود که ایمان به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و اعتقاد به او، علاوه بر بعد کلامی و اعتقادی، دارای جنبه‌های مهم تربیتی نیز هست. زیرا هم چنان که گفته شد، باور به وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تحولات گوناگون هیجانی، عاطفی، احساسی و رفتاری خاصی را در فرد ایجاد می‌کند که مجموع آنها منجر به تربیت افرادی با ویژگی‌هایی خواهد شد که با عشق و محبت از ولی خدا - امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف - اطاعت می‌کنند. اهم این ویژگی‌ها به قرار ذیل خواهد بود:

#### ۱. بصیرت

بصیرت به معنای علم و حجت است و در فرهنگ قرآنی به معنای رؤیت قلبی و باطنی است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۳۴۴). مطابق آیه ۱۷ سوره رعد، بصیرت گوهری است که انسان با برخورداری از آن می تواند به تشخیص حق از باطل نائل گردد که به آنان اهل اعراف نیز می گویند (همان). افراد ولایت مدار و ولایت پذیر علاوه بر این که در شناخت دین و امر خدا باید به شناخت کاملی دست یابند، باید نسبت به حجت خدا نیز بصیرت داشته باشند. به عبارت دیگر، وقتی وجود انسان خدایی شود، خداوند بصیرت و شناخت نسبت به ولی خود را روزی - اش می کند تا با هدایت او از راه مستقیم خارج نشود. امام صادق علیه السلام از ابا الفضل العباس علیه السلام به عنوان نمونه کاملی از فرد ولایت مدار نام برده و در حق او می فرماید:

اشهد لك بالتسليم و التصديق و الوفاء و النصيحة لخلف النبي المرسل (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۹۸، ۲۱۷؛ ابن قولویه، ۱۳۵۶ش: ۲۵۶).

## ۲. اطاعت

دومین مؤلفه ولایت مداری، اطاعت مطلق و بی چون و چرا از ولی خداست. اطاعتی مخلصانه و از روی بصیرت و آگاهی. این شاخصه در آیه قرآن بدین صورت تفسیر شده است:

﴿فلا وریک لایومنون حتی یحکموک فیما شجر بینهم ثم لایجدوا فی انفسهم حرجا مما قضیت و یسلموا تسلیما﴾ (نساء: ۶۵).

نمونه هایی از این اطاعت پذیری را در اشخاصی مانند اویس قرنی و غلام امام صادق علیه السلام می توان به روشنی مشاهده کرد (ر.ک: ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق: ۴۵-۴۹).

## ۳. محبت و رزی

عشق و محبت پایه و اساس ولایت مداری است؛ زیرا بدون کشش و علاقه قلبی، هیچ گونه پیوند و ارتباط معنوی و روحی برقرار نمی گردد. آیات قرآن نیز به این امر تصریح کرده و اعلام می دارد که مؤمنان راستین بیشترین محبت را به خدا دارند (بقره: ۱۶۵) مهم ترین اثری که محبت در عمل انسان انعکاس یافته و به صورت های مختلفی مانند: حرکت آفرینی و پویایی، اطاعت پذیری، لذت انس با محبوب، احساس آرامش و اطمینان و امید به آینده تجلی می گردد (آل عمران: ۳۱). بنابراین همان گونه که مشاهده می شود ارتباط معناداری میان محبت و اطاعت وجود دارد. از امام صادق علیه السلام روایت است که می فرماید:

نافرمانی خدا را می کنی، با این حال ادعای دوستی او را داری؟ به جانم سوگند این کار عجیبی است. اگر محبت تو راست بود، حتما اطاعت فرمان او می کردی؛ زیرا کسی که

دیگری را دوست دارد از فرامین او پیروی خواهد کرد (جرعاملی، ۱۴۱۴ق: ج ۱، ۲۴۳).

#### ۴. صبر

صبر به معنای خویشتن‌داری و کنترل نفس است. این واژه در ۴۵ سوره قرآن آمده است. تربیتی که اساس آن بر مبنای بصیرت و نهاده شده باشد، قطعاً با صبر نیز پیوستی ناگسستنی دارد. انسان با بصیرت و ولایت‌مدار، در سختی‌ها پای ولایت می‌ایستد. قرآن در این رابطه می‌فرماید:

﴿ان الذين قالوا ربنا الله ثم استقاموا فلا خوف عليهم ولا هم يحزنون﴾ (احقاف: ۱۳).

مطابق این آیه انسان ولایت‌مدار کسی است که در مسیر ولایت آگاهانه ایستادگی می‌کند و با صبر و شکیبایی در مقابل سختی‌ها و ناملازمات می‌ایستد و با آرامش خود دشمنان را ناامید می‌کند. مصداق بارز و کامل این مؤلفه، در حضرت زینب علیها السلام و عبارت تاریخی او:

ما رایت الا جمیلاً متبلور یافته است (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۴۵، ۱۱۶).

تربیتی که بر مبنای صحیح ولایت‌مداری محقق شود، از یک سو، زمینه‌ساز ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الصواب است که می‌توان با پرورش نیروهای مخلص و متعهد به مهدویت، زمینه تسریع قیام آن حضرت را فراهم کرد. از سوی دیگر نیز براساس روایات منقول از پیامبر صلی الله علیه و آله با ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الصواب تربیت الهی و معنوی به بالاترین سطح خود می‌رسد و شاهد رشد و پرورش افرادی خواهیم بود که متخلق به فضایل اخلاقی هستند که از هرگونه انحراف و رذیلتی به دور هستند (احسانی، ۱۳۹۰ش: ۷۶)؛ ان شاء الله.

#### ۲. اصول کاربردی در تربیت ولایت‌محور

تمام مکاتب و نظام‌های تربیتی از یک مجموعه اصول و مقررات تربیتی تبعیت می‌کند تا از آشفتگی‌ها و بی‌نظمی‌ها محفوظ بماند و از طریق آنها، افزون بر آن‌که، رنگ و بوی عملی به تربیت دهد، وظایف متربی و مربی نیز روشن شود. در مکتب اهل بیت علیهم السلام اصولی برای تربیت در نظر گرفته شده است که برگرفته از اصول تربیتی مکتب انسان‌ساز است. با غور در آیات و روایات، اصول و الزامات تربیت ولایت‌محور مبتنی بر چند محور اصلی است:

#### اصل شناختی

این مؤلفه معطوف به کسب بینش عمیق در تربیت ولایت‌محور است که باید به صورت باورها و اعتقادات جازم مبدل شوند. مهم‌ترین اصولی که در حوزه شناختی در جامعه مهدوی

باید مورد توجه قرار گیرد، عبارت است از:

**الف) خدامحوری:** این اصل علاوه بر این که باید به عنوان ریشه و روح همه اصول تربیتی اسلامی مدنظر قرار گیرد، باید تمام برنامه‌ها و فعالیت‌های تربیتی حول محور آن طرح و برنامه‌ریزی شود؛ بدین معنا که دستورات و فرامین الهی، محتوا و جوهره برنامه تربیتی لحاظ گردد تا از هر گونه شرک و طاغوت و هواپرستی به دور باشد. زیرا مطابق آیات الهی، اولاً خداوند منشاء و مبداء اولیه حق و حقیقت است: ﴿الحق من ربك فلا تكونن من الممترین﴾ (بقره: ۱۴۷) ثانیاً این که ذات خداوند منشاء هر خیر و نعمتی است: ﴿ما اصابک من حسنه فمن الله﴾ (نساء: ۷۹) نتیجه وجود چنین اعتقادی این است که انسان در همه حال باید متوجه مقصد و غایت تربیت که همان مقام قرب و رضوان و عبودیت الهی است، باشد. تربیت بر مکتبی که بر بنیاد توحید و خداباوری بنا شده باشد، قطعاً از هرگونه شرک و ریا و خرافه در امان خواهد بود و انسانی که بر این طریق حرکت کند، مسلماً بر صراط مستقیم حرکت خواهد کرد؛ زیرا خداباوری، برخلاف دیدگاه‌های اومانیسیتی غرب، علاوه بر بینش فلسفی، یک شناخت علم‌زا و زندگی‌ساز است. عقیده‌ای است که سنگ بنای جامعه اسلامی باید بر آن استوار گردد (حاجی صادقی، ۱۳۸۵ش: ۲۳) به بیان دیگر، تعهدی که توحید به یک جامعه موحد می‌دهد، تعهدی است که شامل مهم‌ترین و کلی‌ترین مسائل جامعه از جمله حکومت، اقتصاد، روابط اجتماعی و... که مهم‌ترین حقوق اساسی برای اداره یک جامعه به شمار می‌رود (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲ش: ۲۲۵ و ۲۷۸).

**ب) مهدی‌باوری:** صفوان بن مهران در روایتی منقول از امام صادق ع می‌گوید: کسی که حضرت مهدی ع را انکار کند، در واقع حضرت محمد ص را انکار کرده است (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۲۳، ۱۷۳).

این روایت ناظر به این است که وجود حضرت مهدی ع و صفات نیک او همانند صفات پیامبر ص است و همان‌گونه که رسول خدا ص برای «انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» (محدث نوری، ۱۴۱۵ق: ج ۱۱، ۱۸۷) مبعوث شد، حضرت مهدی ع نیز تکمیل‌کننده اخلاق نیک منتظران است. اعتقاد به حضرت مهدی ع به این معناست که همان‌گونه که به وجود و حضور او به عنوان پیشوا و راهبر جامعه اسلامی باید معتقد بود (قیصری، ۱۳۸۲ش: ج ۱، ۱۴۳) به این باور قلبی رسید که وی انسان کامل نیز هست و از همه بدی‌ها و رذایل اخلاقی دور است. انسانی که با این نگرش تربیت یابد، نیازی ندارد که امام را لزوماً در

مقابل خویش ببیند، بلکه سعی می‌کند از الگوی خود سرمشق بگیرد و تمام ردائل اخلاقی را در حد استعداد و ظرفیت خود از جسم و روحش پاک سازد و در مسیر انتظارش همواره به خودسازی و آراستگی بپردازد. امام در نزد چنین فردی، شخصیت یگانه‌ای است که معصوم و منصوب پروردگار بوده و خدای متعال او را به منظور هدایت انسان‌ها و کمال حقیقی مبعوث کرده، و مطابق آیه ۵۵ سوره مائده مفترض الطاعه است. در آیه ۲۴ سوره مبارکه انفال خداوند حیات طیبه انسان را در گرو ولایت‌پذیری و اطاعت از خدا و پیامبر ﷺ می‌داند. امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در خطبه ۳۴ نهج البلاغه، وفاداری به امام، تبعیت محض و امتثال محض و امتثال امر بدون تعلل مردم را از حقوق خود بر مردم شمرده است و آن را از مهم‌ترین اصول تحقق جامعه اسلامی و جامعه مطلوب می‌شمارد.

**ج) خردورزی:** نکته حایز اهمیت در تربیت ولایت‌محور توجه به اصلی است به نام عقلانیت و خردورزی که هر انسانی با دارا بودن آن، بر صراط مستقیم قرار می‌گیرد. به تصریح آیه قرآن، بدترین مخلوقات از نظر خداوند کسانی است که از نیروی تعقل خود استفاده نمی‌کنند:

﴿ان الشر الدواب عند الله الصم البکم الذین لا یعقلون﴾ (انفال: ۲۲).

با توجه به مضمون آیه، روشن می‌شود که نظام تربیتی ولایت‌محور باید بر پایه عقلانیت و خردورزی استوار گردد. در فرهنگ قرآنی مقصود از عقل، بند و بازداری (باقری، ۱۳۸۸: ج ۱، ۲۱) یا به معنای العقل ما عبد به الرحمن و اکتساب به الجنان است (حرعاملی، ۱۴۱۴: ج ۱، ۴) برترین شکل عقلانیت، آراستن عقل به معرفت امام است؛ اعتقاد به مهدویت، در مرحله نخست، از طریق ارتباط با ساحت ادراکی انسان، عقد العقل شکل می‌گیرد. نتیجه این مرحله، ایجاد بینش برای انسان است؛ اما در مرحله عمیق‌تر، از این حقیقت در ساحت عاطفی انسان نفوذ می‌کند و آن را نیز همراه خود می‌سازد. از این رو به برقراری عقد القلب می‌انجامد که با شکل‌گیری عقد القلب گرایش به آن حقیقت در نهاد انسان صورت می‌بندد. لذا حاصل از این دو مرحله، خود را تحت عنوان ایمان به آن حقیقت بروز می‌دهد. لذا ایمان به یک حقیقت و از آن جمله ایمان به وجود حضرت مهدی علیه السلام و وَجَاءَ الشَّرِيفُ گرایش بنیادین و ژرف و متعالی است که بر پایه یک بینش استوار شده است (هاشمی العمیدی، ۱۳۸۶: ۲۶۹). ایمان به وجود حضرت مهدی علیه السلام زمینه‌ساز همراهی و همسویی با حضرت را در منتظران به وجود می‌آورد. منتظری که به حضرت اعتقاد دارد، نه تنها اندیشه خود را با معرفت او آزین کرده است، بلکه با

پیوند عاطفی با مولای خود، قلب خود را نیز به او سپرده است و مولایش الگوی رفتاری و اخلاقی او خواهد بود. از این رو، هرگونه رذیله اخلاقی را در تضاد با این اعتقاد قلبی می‌داند و در رفع و دفع آن می‌کوشد.

عقل با معرفت، می‌تواند زمینه کمال انسان را فراهم و او را از حیات و مرگ جاهلی نجات بخشد؛ زیرا عقل و اندیشه انسان مانند روح انسان متلاطم است و نیاز به اتصال به مبدا اصلی و طریق و واسطه‌ای برای این اتصال را در خود احساس می‌کند. با شناخت امام می‌تواند از گمراهی نجات یابد: اللهم عرفنی حجتک فانک ان لم تعرفنی حجتک ضللت عن دینی (نعمانی، ۱۳۶۳ق: ۱۹۲) افزون بر آن، توجه به مولفه عقلانیت در تربیت ولایت محور، مکتب ولایت را از سطحی‌نگری ظاهری و افتادن در دام عقل‌گرایی افراطی نجات می‌دهد.

#### اصل ارزشی

ارزش‌ها با مشخص کردن خوبی‌ها و امور مطلوب برای افراد، چراغ هدایت رفتار افراد جامعه را بر می‌افروزد. سازنده‌ترین اصول ارزشی تربیت ولایت محور برای داشتن یک جامعه مهدوی مطلوب، شامل:

**الف) روحیه شهادت طلبی یا عاشوراگرایی:** از مخاطره‌انگیزترین رسالت‌های خطیر در تحقق جامعه مهدوی التزام به روحیه شهادت طلبی است که از زیارت عاشورا و سیره حضرت سیدالشهدا علیه السلام و یاران باوفای ایشان الهام می‌گیرد. از این رو، زیارت عاشورا را باید بهترین الگو و کامل‌ترین سند برای استنباط، تبیین و تفسیر ارکان اساسی تربیت ولایت محور لحاظ کرد. چه بسا راز توصیه و تأکید حضرت ولی عصر علیه السلام بر مداومت بر زیارت عاشورا به همین معنا و حقیقت برمی‌گردد. این زیارت دارای مضامین و حقایق دوسویه‌ای چون عاشورای حسینی و قیام مهدوی، غیبت و ظهور، شهادت و انتظار، حسینی بودن و مهدوی شدن است. از این رو، به عنوان اساسنامه‌ای برای تربیت ولایت محور به شمار می‌رود (ر.ک: مضامین زیارت عاشورا). تربیت جهادی نیز از مصادیق بارز این تربیت ولایت محور است، یعنی تربیت انسان‌هایی که هدف را شناخته و به آن ایمان دارند و برای رسیدن به هدف آرمانی خود با موانع مبارزه می‌کنند و در این راه سستی و خمودگی به خود راه نمی‌دهند. از این رو، تربیت جهادی برابر است با تربیت انسان با روحیه شهادت طلبی که همواره خود را در میدان مبارزه مشاهده می‌کند. بر این اساس، این تربیت، تربیتی پیشرو، پیش‌برنده، جهت‌بخش و تحقق‌بخش آرمان‌های الهی

جامعه اسلامی است و ظرفیت‌های چندجانبه آن در امری مانند فرهنگ‌سازی و شکوفایی استعدادها و خلاقیت‌های نهفته، راه دستیابی به اهداف و آرمان‌های الهی و بستری مناسب برای تحقق جامعه مهدوی است (رهنمایی، ۱۳۹۶ش: ۹۳-۹۴).

ب) امر به معروف و نهی از منکر: در نظام هندسی ولایت‌محور، مقام رضا و خشنودی خدا و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، امر به معروف و ترک منکر از اضلاع اصلی این نظام به شمار می‌رود؛ «الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلوه و اتوا الزکاه امروا بالمعروف و نهی عن المنکر و الله عاقبه الامور» (حج: ۴۱). امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود:

این آیه برای آل محمد (مهدی و اصحاب او) است (کلینی، ۱۳۸۹ق: ج ۱، ۱۹۴؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۲۴، ۱۶۵).

در واقع بزرگ‌ترین امرکننده به معروف و نهی‌کننده از منکر در روزگار ظهور، خود امام زمان علیه السلام است. زیرا بنا به خطبه امیرالمومنین علیه السلام میان فساد حکومت و فساد مردم رابطه تنگاتنگی وجود دارد. اگر حاکمان فاسد باشند، بنابر اصل الناس علی دین ملوکهم، مردم نیز به فساد گرایش پیدا می‌کنند و اگر مردم فاسد باشند، حاکمان را نیز به سمت و سوی فساد خواهند کشاند و اگر آنان نیز مقاومت کنند، با شورش و... حاکمان صالح را از میان برخواهند داشت و رئیسانی فاسد را بر سر کار خواهند نشاند (نهج البلاغه، خطبه ۲۱). بنابراین شرط لازم در نظام تربیت ولایت‌محور، تربیت افرادی است که افزون بر آن که خودشان کامل شده باشند، از طریق امر به معروف و نهی از منکر به کمال جامعه نیز کمک و یاری رسانند (جعفری، ۱۳۸۶ش: ۱۳۴).

ج) پارسایی: از شاخصه‌های نظام ولایت‌محور، تربیت اشخاص پارسا و پرهیزگار است. تربیت اشخاص با این ویژگی‌ها در حکم تربیت یاران خاص امام زمان علیه السلام است. چنان که در روایت این هشدار آمده است که باید تقوا و پرهیزگاری را شیوه خویش گرداند (نعمانی، ۱۳۶۳ق: ۱۰۰). تقوا عبارت است از این که انسان نفس خود را تحت محافظت قرار دهد تا به ارتکاب گناه یا خطا مبتلا نگردد (باقری، ۱۳۹۰ش: ۷۸) هدف از تربیت ولایت‌محور آن است که فرد را به گونه‌ای در مسیر تربیت قرار دهند که اداره‌کننده خودش باشد. تمایلات یا هواهای نفسانی خود را تحت پالایش در آورد و از آنچه غیرمنطقی یا غیرعقلانی است دور سازد و آنچه شایسته انسان بودن است، انجام دهد (شریعتمداری، ۱۳۹۰ش: ۱۳۱-۱۳۷) این اصل امکان‌پذیر نیست جز با یک برنامه‌ریزی صحیح در جهت سازندگی و قرارگرفتن در مسیر کمال مطلق (جعفری،

### اصل تحول‌گرایی یا اصلاح اوضاع

در نظام تربیت ولایت‌محور، اصل بر اصلاح بنیادین امور و تغییر و تحول واقعی و درونی انسان‌ها و جامعه است. تحول‌گرایی در تربیت ولایت‌محور مبتنی بر امور ذیل می‌باشد:

**الف) کمال‌گرایی:** تحقق خلافت انسان به روی زمین به اراده الهی است؛ خلافتی که تحققش به برکت حضور انسان کامل، یعنی خلیفه برحق خداوند، کاملاً به مصلحت عمومی بشر است. دلیل این امر، وجود آیات فراوانی است که بر، جانشینی خدا بر روی زمین (بقره: ۳۰) امامت انسان بر زمین (قصص: ۵-۶) وراثت انسان بر زمین (قصص: ۵-۶) دلالت دارد. هدف اصلی خدا از بیان آیات ذکر شده، رساندن انسان‌ها به کمال نهایی یعنی عبودیت الهی از طریق تربیت ولایت‌محور است و اراده الهی بر این تعلق گرفته است که انسان‌ها خود را برای تحقق آرمان‌های الهی - انسانی و نجات خویش آماده و مهیا سازند. از این رو، میان تربیت ولایت‌محور و توجه به کمال بشریت ملازمه و همبستگی مثبتی برقرار است. هرچه بیشتر به نجات انسان‌ها بیندیشیم کمال انسان‌ها و ملزومات آن بیشتر نمایان می‌شود. دوران‌دیشی در مسیر تربیت بر توجه هرچه بیشتر نیل به کمال همه‌جانبه تأکید دارد. کمال انسان هم به این است که براساس تربیت شایسته و بایسته تا آن‌جا که میسر است به بهترین‌ها و برترین‌ها دست یابد. این مهم محقق نمی‌گردد جز از طریق تربیت ولایت‌محور اخلاق‌مدار. تربیت اخلاقی، فرایند درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی و شکل‌گیری پایدار شخصیت انسان براساس ویژگی‌های انسان کامل است. تربیت اخلاقی ولایی مسیر گذار از وضعیت موجود به سوی قله کمال را باز می‌نماید و انسان را چنان هدایت می‌کند که گویی سیمای آرمانی انسان اخلاقی را در لوح وجود خود نقش می‌کند (عالم‌زاده نوری، ۱۳۸۷ ش: ۵۶) از این رو می‌توان گفت؛ عصر ظهور عصر برترین‌ها و بالاترین‌هاست؛ عصر برترین و بالاترین رفتار و منش؛ عصر بهترین شخصیت‌ها برای بالاترین مسئولیت‌ها و مهم‌ترین رسالت‌ها، متناسب با عصر ظهور.

به بیانی دیگر، عصر امام زمان علیه السلام عصر کمال انسان و کمال تاریخ و زمین و زمان است. عصر مهدوی، عصری است که همه چیز از جمله طبیعت و انسان و پیشرفت و بلندمرتبگی، همه و همه به اوج کمال خود می‌رسند. شایستگی‌های هر چیز و هر موجودی بنا است در این عصر به منصفه ظهور برسد (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۹۰ ش: ۱۱۷) کمال نهایی در انسان از اتصال

او به مبداء که همان مقام قرب و عبودیت است، حاصل می‌گردد. برای رسیدن به کمال نهایی، شخص باید مقدمات و وسائط کمال را طی نماید. این مقدمات مشتمل بر کمالات عقلی، علمی، اخلاقی و کمال اجتماعی است (همان: ۱۱۹).

ب) **پویایی و تحرک:** امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس از شما بمیرد در حالی که منتظر این امر باشد - امام زمان علیه السلام - همانند کسی است که در پیشگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله شهید شده باشد. بدون شک مژده این پاداش‌ها سبب تحقق و تحرک و پویای جسمی و روحی می‌گردد. متریبی سعی می‌کند خود را از سستی و رخوت دور کند و با تلاش و کوشش زمینه ظهور حضرتش گردد (شرفی، ۱۳۸۲ ش: ۴۴) در روایتی از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه و آتیه نقل شده که فرموده است:

انا غیر مهملین لمراعاتکم و لا ناسین لذکرکم ولولا ذلک بکم البلیا و اصطلمتکم  
الأعداء (کلینی، ۱۳۸۹ ق: ج ۱، ۸۹)؛

ما هرگز شما را به حال خود رها نکرده‌ایم و هرگز شما را از یاد نبرده‌ایم و اگر عنایت پیوسته ما نبود، حتما سختی‌ها و بلاهای فراوانی به شما می‌رسید و دشمنان شما را نابود می‌کردند.

این پیام امام سرتاسر تحرک و پویایی را در تحقق جامعه مهدوی به وجود می‌آورد. ج) **معناداری به زندگی و امیدبخشی:** براساس نظام ولایت‌محور، خداوند در وجود انسان ابعادی قرار داده است که همه آنها در جهت خاصی که همان عبودیت و بندگی است، در حرکت است. بنابراین، نه تنها نیازهای فردی شخص، حتی ارتباطات اجتماعی نیز دارای غایت است، آن غایت پرستش خداست؛ این بدین معناست که، زندگی اجتماعی و حیات بشری انسان‌ها بر محور عبادت می‌چرخد. تنها در این صورت است که وحدت اجتماعی حاصل شده، دارای وحدتی می‌شود که تا روز قیامت «یوم ندعوا کل اناس بامامهم» (اسراء: ۷۱) ادامه دارد. انسان در این مجموعه نیز نیازمندی‌هایی دارد که متناسب با قرب و پرستش، در آن قرار داده شده است. به کارگیری همه این مجموعه در یک جهت، فقط با ولایت امام امکان‌پذیر است. این جاست که والاترین هدف و معنای زندگی انسان ظاهر می‌گردد؛ یعنی تجمع و هماهنگی اراده‌ها از همدلی، همفکری و همکاری برای رسیدن به غایت نهایی که عبادت است.

#### اصل امیدبخشی و انتظارسازنده

امید به آینده دو گونه است؛ امیدی که سازنده، نگهدارنده، تعهدآور، نیروآفرین و تحرک-

بخش است به گونه‌ای که مصداق کاملی از عبادت و حق‌پرستی محسوب می‌شود. و امیدی که گناه، ویرانگر، اسارت‌بخش و فلج‌کننده است و مروج نوعی اباحی‌گری است. این دو نگرش، معلول دو نوع برداشت از ظهور امام زمان علیه السلام است و این دو نوع برداشت، به نوبه خود از دو نوع بینش درباره تحولات و انقلابات تاریخی ناشی می‌گردد. مضمون امید و انتظار سازنده بر چند اصل کلی استوار گشته است:

**الف) امید به آینده:** کسی که در نظام ولایی تربیت یافته است به آینده روشن و سراسر شور و اشتیاق امیدوار است. در روایتی از امام علی علیه السلام آمده است که فرمود:

انتظروا الفرج ولاتیأسوا من روح الله فان احب الاعمال الی الله عزوجل انتظار الفرج مادام  
 علیه المومن (ابن بابویه، ۱۳۹۰ق: ج ۲، ۵۱۲):  
 شخص منتظر هرگز از رحمت و دستگیری خداوند ناامید نمی‌باشد.

زیرا انسان امیدوار دارای بینش توحیدی است، تمام امورات عالم را زیر فرمان خدا می‌بیند و به وعده خدا در شرایط سخت کاملاً آگاه است و یقین دارد که پیروزی از آن وارثان حقیقی زمین است (قصص: ۴۳) چنین فردی باید در تمام زمینه‌ها آماده و مهیا باشد. زیرا خداوند حال قومی را تغییر می‌دهد که خود بخواهد (رعد: ۱۱؛ نور: ۵۵) در مکاتب مادی، آینده جهان، تیره و تاریک و سرشار از هراس و وحشت پیش‌بینی شده است در حالی که در رویکرد اسلامی و نظام تربیت ولایت‌محور، جهان دارای سیر تکاملی است و تاریخ بشری به سوی آینده‌ای روشن و متعالی در حرکت است. انتظار در حقیقت، پیش‌نگر و امیدآفرین است ولو آن‌که بر سرمایه‌های گذشته تکیه دارد اما چشم به راه آینده‌ای روشن‌تر از امروز و دیروز است. این نگرش به آینده، حاکی از سلامت روانی مؤمنان است که از تکیه و اعتماد به وعده‌های الهی ناشی می‌شود (شرفی، ۱۳۸۲ش: ۲۳-۲۴). بیان روشن‌تر، انسان می‌تواند حلقه رابطه میان گذشته و حال و آینده باشد. انسان به فطرت خویش، با اتکا بر تجارب گذشته، به دنبال طرح و تحقق چشم‌انداز این جهانی یا آن جهانی یا هر دو جهانی است و می‌کوشد تا آینده روشن و نویدبخشی را برای خود ترسیم کند. آتیه‌زندگی بشری، در پرتو ولایت مهدوی، اصول و مبانی آن، چشم‌اندازی برجسته از ظهور تمدن اسلامی را به تصویر می‌کشاند که بر مبانی استوار اعتقادی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و... پایه‌ریزی می‌گردد.

**ب) آرمان‌خواهی و آرمان‌طلبی:** انسان پرورش یافته در تربیت ولایت‌محور یکسره از عالم ماده

و دنیای مادی و مادیات گریزان است؛ زیرا بیش از هر کس دیگری به ارزش والای انسانی خود پی برده است. وی برای رسیدن به آرمان‌های معنوی خود به ایثار و فداکاری از خویش می‌پردازد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

من مات منتظرا لهذا الامر كان كمن القائم في فسطاطه، لا بل كان كالضارب بين يدي رسول الله بالسيف (ابن بابویه، ۱۳۹۰ ق: ج ۲، ۳۳۸).

### ۳. روش‌های تربیتی مکتب ولایت محور

تربیت مبتنی بر فرهنگ ولایت محور، در راستای دست‌یابی به اهداف عالی خود اصول و الزماتی را برای تربیت وضع می‌کند که حرکت در چارچوب این اصول و الزامات ضمن صیانت از ارزش‌های این نظام تربیتی موجب می‌گردد متریبان از مسیر حقیقی منحرف نگردند و یا از حرکت باز نمانند. براساس این اصول، روش‌های مختلفی را برای رسیدن به اهداف به کار می‌گیرد که بیشتر بر جنبه پرورشی تأکید دارد. مخصوصاً روش‌هایی که موجب بیداری فطرت و تحول درونی باشد. در این قسمت به برخی از مهم‌ترین روش‌های تربیت ولایت محور اشاره خواهیم کرد:

#### بروزرسانی برنامه‌ها

این روش برگرفته از حدیثی از امام علی علیه السلام است که می‌فرماید:

مردم فرزندان زمانه خویش اند (ابن ابی الحدید، ۱۳۶۳ ق: ج ۲، ۲۶۷).

این فرمایش دلالت بر این دارد که با فرزندان هر زمانی باید به زبان مادری‌شان سخن گفته شود. به عبارت دیگر در طرح مباحث تربیتی، حتما مقتضیات زمانی در نظر گرفته شود. مباحث و معارف ولایی نه با زبان مغلط و پیچیده و غیرقابل فهم بلکه متناسب با اندیشه مخاطبان عرضه و ارائه گردد. ارتباط و پیوند عمیق میان نسل‌های معاصر و آموزه‌های بنیادین ولایت به گونه‌ای که تأمین‌کننده نیازها و پاسخ‌های نسل معاصر باشد، مهم‌ترین چیزی است که باید مورد توجه قرار گیرد. به گونه‌ای که نوعی هم‌زبانی و هم‌اندیشی میان نسل گذشته و نسل معاصر ایجاد گردد ضمن این که به تخطی از اصول و تقلیل ارزش‌ها نیز منتهی نگردد. تربیت نسل حاضر نیازمند به کارگیری ابزارها و تکنولوژی‌های روز است. این ابزارها علاوه بر این که برای نسل معاصر، جذاب‌تر هستند، از آن رو که برای آنها آشنا ترند، به واسطه آنها می‌توان به ارتباط بهتری با نسل حاضر دست یافت (کریمی، ۱۳۷۴ ش: ۱۳۴) وجود رسانه‌های مختلف،

شبکه‌های گسترده تلویزیونی و ماهواره‌ای، اینترنت و کلیپ‌های جذاب، فرصت مناسبی را ایجاد کرده است تا از طریق آنها بسته‌های معارف ولایی با جذابیت بیشتری برای نسل حاضر عرضه گردد. این دقیقاً همان چیزی است که مورد تصریح و تأکید آیه قرآن است:

﴿یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله وابتغوا الیه الوسیله﴾ (مائده: ۳۵).

### تأکید بر رشد فضایل اخلاقی و دور شدن از رذائل

تربیت اخلاقی ضمن این که خود یک هدف است، اما می‌تواند به عنوان روشی برای رسیدن به کمال نهایی مدنظر قرار گیرد. برائت جستن از رذائل و آراستگی به فضائل در کنار یکدیگر هر دو موجب رشد و تعالی انسان می‌گردد. به خصوص آن که اخلاقیات ریشه فطری دارند و با انسان‌ها بیگانه نیستند. تنها کاری که برای به فعلیت درآوردن آنها لازم است انجام شود، شناخت مصداق‌ها و مظاهر صحیح آنهاست. با شناسایی دقیق مصادیق آنها می‌توان در مسیر کمال سیر کرد.

### روش الگویی

بهترین شیوه از نظر اکثر کارشناسان امور تربیتی، یادگیری به طریق الگویی است. تأثیر استفاده از این روش برای تربیت ولایت‌محور کودکان و نوجوانان بر کسی پوشیده نیست (دبس، ۱۳۶۸ ش: ۳۰-۴۴). آلبرت بندورا یکی از مهم‌ترین روش‌های یادگیری را روش مبتنی بر مشاهده و شناخت اجتماعی عنوان می‌کند. وی معتقد است که یادگیری به طریق مشاهده در مواحل توجه، یادسپاری، بازفرینی و انگیزشی اتفاق می‌افتد. عواملی از جمله جذابیت و شایستگی الگو، آمادگی ادراکی، سطح برانگیختگی و رجحان اکتسابی فرد بر جلب توجه یادگیرنده مؤثر هستند (سیف، ۱۳۸۴ ش: ۲۸۱-۲۹۲) مکتب اسلام نیز این روش را به عنوان اساس تربیتی خود قرار داده و به صورت‌های مختلف به این موضوع پرداخته است. البته قرآن همواره تقلید کورکورانه و فاقد بصیرت را مورد مذمت قرار داده است: ﴿لقد کان فی رسول الله اسوه حسنه لمن کان یرجوا الله الیوم الآخر و ذکر الله کثیرا﴾ (احزاب: ۲۱)؛ ﴿قد کان لک اسوه حسنه فی ابراهیم و الذین معه﴾ (ممتحنه: ۴) نقش الگوها در تربیت و سازماندهی به شخصیت و رفتار افراد و جهت‌گیری‌های انسان به قدری اساسی و مهم است که حضرت علی علیه السلام در این رابطه می‌فرماید:

الناس بامرائهم اشبه منهم بابائهم (حرانی، ۱۴۰۴ ق: ۱۴۴)؛

مردم به زمامداران خود شبیه‌ترند تا به پدران خود.

در تربیت ولایت‌محور نیز اهمیت روش الگویی همواره مورد توجه بوده است. انسان به طور فطری کمال‌گراست. این میل او به کمال‌گرایی او را به سمت الگوگیری از افراد کمال‌یافته سوق می‌دهد. هرچقدر الگو کامل‌تر باشد، میزان بهره‌برداری و کارآیی آن بیشتر خواهد بود. بنابراین امام بهترین الگو برای سیر به سوی کمال مطلق است (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹ش: ۴۷).

### روش حب عبودی

اولین صفتی که برای خدا در قرآن ذکر شده صفت رحمت است که در ایه مبارکه بسم الله الرحمن الرحیم آمده است. همچنین بلافاصله بعد از عبارت رب العالمین، الرحمن الرحیم مطرح شده است. یعنی رحمت عام و خاص ذکر شده‌اند که بار تربیتی ویژه‌ای دارد. پس روشن است که نیکوترین روش تربیتی، روش محبت است. محبت به ویژه حب الهی امری فطری است که در وجود انسان به عنوان سرمایه‌ای به ودیعه نهاده شده است که اگر مورد بهره‌برداری درست واقع شود کمال انسانی را در پی خواهد داشت. محبت ضمن آن که یک روش عالی تربیتی است آن‌گاه که مقصد خدایی داشته باشد هدف تربیتی خواهد بود. مازلو معتقد است: آدمی پنج طبقه نیاز مختلف دارد که به طریق سلسله مراتبی فعال می‌شوند. به این صورت که ابتدا باید نیاز مرتبه پائین‌تر ارضا شود تا نیاز بعدی در مرتبه‌ی بالاتر بتواند ظهور کند. طبق نظریه مازلو نیاز به مهر و محبت جزو نیازهای اجتماعی انسان و از نوع نیازهای نقصان و کمبود است (علاقه بند، ۱۳۸۴ش: ۴۴) که اگر ارضا نشود سلامت روانی انسان به خطر می‌افتد و تا این نیاز برآورده نشود فرا نیازهایی چون نیاز به احترام و نیاز به کمال که همان نیازهای رشد هستند در وجود انسان به منصفه ظهور نمی‌رسند. در واقع انسان نیاز دارد که به فرد یا گروهی احساس تعلق داشته باشد و دوست داشته شود و دیگران را دوست بدارد.

### نتیجه‌گیری

از مجموع پژوهش انجام شده به دست می‌آید که انسان در سایه تربیت، مستعد اتصاف به همه صفات و کمالات الهی است. از طرف دیگر، در دین مبین اسلام نیز این مسئله مورد توجه قرار گرفته است. اسلام علاوه بر انتقال آموزه‌های فرهنگی و اخلاقی، در صدد رشد و اصلاح رفتارها و پندره‌های انسانی نیز است. این امر از طریق تربیت دینی دست‌یافتنی است. بر این اساس برنامه‌های تعلیم و تربیت دینی جنبه قدسی و الهی دارد. این نوع نگرش الهی به تربیت

دینی باعث می‌گردد که علاوه بر بعد مادی انسان، به بعد معنوی او نیز اهمیت ویژه‌ای مبذول شود و تمامی رفتارها و گفتارهای انسان در جهت رسیدن به سعادت ابدی تبیین گردد. تربیت ولایت محور، واجد این خصوصیت ویژه است. تربیت ولایت محور یعنی تربیتی که خاستگاه آن الهی است و مهم‌ترین رویکرد آن، اعتلای کلمه توحید است که در این راستا شاخصه‌های اعتقاد به مهدویت را بیان کند. همچنین با توجه به این که هر مکتبی دارای اهداف مربوط به خود است و مکتب ولایت محور و مهدویت اهداف، دارای اهداف قدسی و الهی است، از این رو، اصول، اهداف و روش‌های تربیتی خاصی باید وضع گردد که از طریق آنها بتوان به تربیت نسل مهدوی همت گماشت. متصدیان تربیتی باید از طریق اخذ این روش‌ها به نحو صحیح، آن را سرلوحه برنامه‌های تربیتی خود قرار دهند تا شاهد رشد و شکوفایی استعداد‌های ناب منتظران واقعی بود. این پژوهش می‌تواند یک سر فصل کلی برای عملیاتی کردن و اجرایی ساختن اهداف فوق، مورد توجه مربیان تربیتی قرار گیرد. ضمن آن که زمینه برای تحقیقات و پژوهش‌های کامل‌تری را نیز فراهم می‌آورد.

### منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. اباذری، محمود (۱۳۸۳ش)، «مهدویت در اندیشه متفکر شهید مطهری»، فصل‌نامه انتظار موعود، شماره ۱۱-۱۲.
۲. ابن ابی الحدید، عبدالرحمن بن هبة الله (۱۳۶۳ش)، شرح نهج البلاغه، قم: مکتبه آیت الله مرعشی نجفی.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۰ق)، کمال الدین و تمام النعمه، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران: مکتبه الصدوق.
۴. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۶ق)، المناقب، بیروت: دارالاضواء.
۵. ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶ش)، کامل الزیارات، نجف اشرف: دارالمرتضویه.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۳۸۸ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۷. انیس، ابراهیم (۱۳۹۲ش)، معجم الوسیط، قاهره: مجمع اللغة العربیه.
۸. باقری، خسرو (۱۳۸۰ش)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: انتشارات مدرسه.

۹. باقری، خسرو (۱۳۹۰ش)، *درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۰. جعفری، محمد تقی (۱۳۸۶ش)، *حکمت اصول سیاسی اسلام*، مشهد: به نشر.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۲ش)، *شمیم ولایت*، قم: انتشارات اسراء.
۱۲. حاجی صادقی، عبدالله (۱۳۸۵ش)، «نقش ولایت محوری در استمرار نظام اسلامی و ولایی»، *پژوهش های سیاست اسلامی*، سال نهم.
۱۳. حر عاملی، حسن (۱۴۱۴ق)، *وسائل الشیعه*، قم: انتشارات آل البيت علیه السلام.
۱۴. حسینی خامنه ای، سید علی (۱۳۹۲ش)، *طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن*، مشهد: صهبا نشر.
۱۵. حسینی میلانی، سید علی (۱۳۹۰ش)، *جواهر الکلام فی معرفه الامامه و الامام*، قم: الحقایق.
۱۶. دبس، موریس (۱۳۶۸ش)، *مراحل تربیت*، ترجمه: علی محمد کاردان، تهران: دانشگاه تهران.
۱۷. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۹ش)، *مشرّب مهر (روش های تربیت در نهج البلاغه)*، تهران: دریا.
۱۸. رازی، احمد بن فارس (۱۳۸۹ق)، *معجم المقاییس اللغة*، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، قاهره: دار احیاء الکتب.
۱۹. رهنمایی، سید احمد (۱۳۹۴ش)، «ظرفیت های تربیت ولایت جهادی زمینه ساز برپایی تمدن اسلامی»، *معرفت سیاسی*، سال نهم شماره دوم پیاپی، شماره ۱۸.
۲۰. زبیدی، احمد مرتضی (۱۴۱۴ق)، *تاج العروس*، بیروت: دارالفکر.
۲۱. زرقانی، اعظم (۱۳۹۹ش)، «مهدویت در آینه تربیت»، *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، شماره ۴۶.
۲۲. زمخشری، محمود بن عمر (۱۳۸۵ق)، *اساس البلاغه*، بیروت: دار صادر، دار بیروت.
۲۳. سبجانی نژاد، مهدی و همکاران (۱۳۹۴ش)، «تجربه زیسته متخصصین تعلیم و تربیت از راهکارهای گسترش رفتار اخلاقی زمینه ساز ظهور»، *مجله پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، شماره ۲۶.
۲۴. سلیمیان، خدامراد (۱۳۸۸ش)، *فرهنگ نامه مهدویت*، تهران: بنیاد فرهنگی مهدی موعود.
۲۵. سیف، علی اکبر (۱۳۸۴ش)، *روان شناسی پرورشی*، تهران: آگاه.
۲۶. شرفی، محمدرضا (۱۳۸۲ش)، «فلسفه انتظار و سلامت روان»، *ماهنامه درد*، شماره ۳۳.

۲۷. شریعتمداری، علی (۱۳۹۰ش)، *اصول و فلسفه تعلیم و تربیت*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۸. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۷۷ش)، «وظایف منتظران»، *موعود*، شماره ده و یازده.
۲۹. صانعی، مهدی (۱۳۸۲ش)، *پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی*، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۳۰. صحرانشین، ابراهیم و همکاران (۱۳۹۹ش)، «تبیین مبانی تربیت سیاسی و اجتماعی اندیشه‌های جان دیویی و مطهری در تربیت شهروندی»، *پژوهش‌نامه تربیتی*، شماره ۶۲.
۳۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۴ش)، *تفسیر مجمع‌البیان*، تهران: اسلامیه.
۳۲. طوسی، محمدبن حسن (۱۳۷۶ش)، *التبیین فی تفسیر القرآن*، نجف اشرف: مکتبه الامین.
۳۳. طوسی، محمدبن حسن (۱۴۱۱ق)، *الغیبه*، تحقیق: عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم: مؤسسه المعارف الاسلامی.
۳۴. عابدی، لطفعلی (۱۳۸۲ش)، «اصول تربیت در اسلام»، *فصل‌نامه مصباح*، سال نهم، شماره ۳۶.
۳۵. عالم‌زاده نوری، محمد (۱۳۸۷ش)، «روش‌های ایجابی تربیت اخلاقی در بعد عاطفی با تکیه بر آثار آیه‌الله مصباح یزدی»، *معرفت اخلاقی*، سال دوازدهم.
۳۶. عاملی، علی بن یونس (۱۳۸۴ش)، *الصراط المستقیم*، تحقیق: محمدباقر بهبودی، بی‌جا: المکتبه المرتضویه.
۳۷. عبدالباقی، محمد فواد (۱۳۶۴ش)، *المعجم المفهرس*، قاهره: دارالکتب المصر.
۳۸. علاقه‌بند، علی (۱۳۸۴ش)، *مبانی نظری و اصول مدیریت آموزشی*، تهران: روان.
۳۹. فیروز آبادی، مجدالدین (۱۳۵۷ش)، *القاموس المحیط*، مصر: دارالمأمون.
۴۰. کارگر، رحیم (۱۳۸۸ش)، «آینده‌پژوهی مهدوی»، *انتظار موعود*، شماره ۲۸.
۴۱. کلینی، ابی جعفر محمدبن یعقوب (۱۳۸۹ق)، *اصول کافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۲. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، *بحارالانوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۴۳. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱ش)، *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن*، تهران: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.
۴۴. مطهری، مرتضی (۱۳۶۹ش)، *مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی*، تهران: انتشارات صدرا.
۴۵. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸ش)، *مجموعه آثار*، تهران: انتشارات صدرا.
۴۶. معین، محمد (۱۳۶۲ش)، *فرهنگ لغت*، تهران: انتشارات امیرکبیر.

۴۷. نجارزادگان، فتح‌الله (۱۳۷۹ش)، بررسی تطبیقی تفسیر آیات مهدویت و شخصیت‌شناسی امام مهدی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴۸. نجم، نجمه (۱۳۹۶ش)، آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت، قم: مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم.
۴۹. نعمانی، ابی عبدالله محمد بن ابراهیم (۱۳۶۳ق)، الغیبه، ترجمه: جواد غفاری، تهران: کتابخانه صدوق.
۵۰. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۱۵ق)، المستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.
۵۱. هاشم العمیدی، سیدثامر (بی‌تا)، در انتظار ققنوس، ترجمه و تحقیق: مهدی علیزاده، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله علیه.